

The transformation of Provision Security to Private Sector at Iranian and British Criminal Law, Concept, Legal Foundation and Manifestations

*Sahar Soheilmoghadam¹, Nasrin Mehra^{*2}*

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: S_Soheilmoghadam@sbu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

*. **Corresponding Author:** Email: N_mehra@sbu.ac.ir



S.D.I.L.
The SD Institute of Law
Research & Study



توسعه و پیشرفت حقوقی

انجمن ملی آموزش حقوقی

Publisher:

Shahr-e- Danesh
Research And Study
Institute of Law

Article Type:

Original Research

DOI:

10.22034/
JCLC.2021.253929.1429

Received:

12 November 2020

Accepted:

8 March 2020

Published:

6 September 2021



ABSTRACT

In the past, the provision of security was the duty of state and public authorities specially police, but in the twentieth century, we are witnessing the transition from public to private security and the emergence of new and non-governmental actors, which has been accompanied by a kind of security commodification. The emergence of mass private property, the growth technical surveillance systems, rising crime rates and insecurity, as well as the oversupply of public demand from the resources available to the state police, have welcomed private security companies, and government have realized that they can no longer be the sole security agents. In this article, with comparative analytical approach, we discuss the concept, legal foundation and manifestations of the private

Copyright & Creative Commons:

© The Author(s). 2021 Open Access. This article is licensed under a Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0, which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. To view a copy of this licence, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.



security industry in Iranian and British law. Findings indicate that the key elements of the private security industry in Iranian law are narrower than in British law and cases such as private detectives, the use of private experts in the investigation of crimes such as fraud are not recognized, in fact the physical security of the industry is more welcomed. In the field of prison services, detection and cyber security, government security and the exception of private security are dominated.

Keywords: private security industry, Iranian criminal law, British law, loss prevention.

Excerpted from the dissertation entitled “Assigning Security to the Private Sector in Iranian and British Criminal Law: Principles and Effects”, Shahid Beheshti University, Faculty of Law.

Funding: The author(s) received no financial support (funding, grants, sponsorship) for the research, authorship, and/or publication of this article.

Author contributions: Sahar Soheil Moghadam: Conceptualization, Validation, analysis, Investigation, Resources, Writing - Original Draft, Writing - Review & Editing. Nasrin Mehra: Conceptualization, Methodology, analysis, Investigation, Data Curation, Supervision.

Competing interests: The authors declare that they have no competing interests.

Citation:

Soheilmoghadam, Sahar & Nasrin Mehra. “The transformation of provision security to private sector at Iranian and British criminal law, concept, legal foundation and manifestations” *Journal of Criminal Law and Criminology* 9, no. 17 (September 6, 2021): 179-206.

واگذاری تأمین امنیت به بخش خصوصی در حقوق کیفری ایران و انگلستان؛ مفهوم، مبنای قانونی و جلوه‌ها

سحر سهیل مقدم^۱، نسرین مهران^۲*

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: S_Soheilmoghadam@sbu.ac.ir

۲. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

*: نویسنده مسئول: Email: N_mehra@sbu.ac.ir

چکیده

در گذشته وظیفه تأمین امنیت فقط برعهده دولت و مقامات دولتی به‌ویژه پلیس بود؛ اما در قرن بیستم شاهد گذار از امنیت دولتی به خصوصی و ظهور کنشگران جدید و غیردولتی هستیم که به‌نوعی با کالایی شدن امنیت همراه شده است. ظهور مالکیت خصوصی در سطح وسیع، رشد سیستم‌های فنی نظارتی، افزایش نرخ جرم و ناامنی و همچنین پیشی گرفتن تقاضاهای جامعه از منابع در دسترس پلیس دولتی، شرکت‌های خصوصی تأمین امنیت را با استقبال بسیاری روبه‌رو نمود و دولت‌ها دریافته‌اند که دیگر نمی‌توانند مجریان انحصاری تأمین امنیت باشند. در این مقاله با رویکرد تحلیلی - تطبیقی به مفهوم، مبنای قانونی و جلوه‌های صنعت امنیت خصوصی در حقوق ایران و انگلستان می‌پردازیم. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است ارکان صنعت امنیت خصوصی در حقوق ایران مضیق‌تر از حقوق انگلستان است و مواردی

کپی‌رایت و مجوز دسترسی آزاد:



کپی‌رایت مقاله در مجله پژوهش‌های حقوقی نزد نویسنده (ها) حفظ می‌شود. کلیه مقالاتی که در مجله پژوهش‌های حقوقی منتشر می‌شوند با دسترسی آزاد هستند. مقالات تحت شرایط مجوز 4.0 Creative Commons Attribution Non-Commercial License منتشر می‌شوند که اجازه استفاده، توزیع و تولید مثل در هر رسانه‌ای را می‌دهد، به شرط آنکه به مقاله استناد شود. جهت اطلاعات بیشتر می‌توانید به صفحه سیاست‌های دسترسی آزاد نشریه مراجعه کنید.



پژوهش‌کده حقوق



انجمن ملی حقوق کیفری
انجمن ملی حقوق جزا

نوع مقاله:
پژوهشی

DOI:
10.22034/
JCLC.2021.253929.1429

تاریخ دریافت:
۲۲ آبان ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش:
۱۸ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ انتشار:
۱۵ شهریور ۱۴۰۰



همچون کارآگاه خصوصی، بهره بردن از متخصصان خصوصی در مرحله تحقیقات برای جرایمی مانند کلاهبرداری و... به رسمیت شناخته نشده و در واقع امنیت فیزیکی این صنعت مورد استقبال بیشتری قرار گرفته و در بخش خدمات مربوط به زندان، بازداشت، امنیت فضای سایبر و ... اصل دولت محور بودن امنیت و استثنا بودن امنیت خصوصی حاکم است.

کلیدواژه‌ها:

صنعت امنیت خصوصی، حقوق کیفری ایران، حقوق انگلستان، پیشگیری از خسارت.

برگرفته از پایان نامه با عنوان «واگذاری امنیت به بخش خصوصی در حقوق کیفری ایران و انگلستان: مبانی و جلوه‌ها»، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

حامی مالی:

این مقاله هیچ حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان:

سحر سهیل مقدم: مفهوم سازی، اعتبار سنجی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نوشتن - پیش نویس اصلی، نوشتن - بررسی و ویرایش. نسرین مهرا (نویسنده مسئول): مفهوم سازی، روش شناسی، تحلیل، تحقیق و بررسی، نظارت بر داده‌ها، نظارت.

تعارض منافع:

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

استناددهی:

سهیل مقدم، سحر و نسرین مهرا، «واگذاری تأمین امنیت به بخش خصوصی در حقوق کیفری ایران و انگلستان؛ مفهوم، مبانی قانونی و جلوه‌ها». مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی ۹، ش. ۱۷ (۱۵ شهریور، ۱۴۰۰): ۱۷۹-۲۰۶.

مقدمه

در دوره پسامدرن با تغییر «از حکومت به سمت حاکمیت»^۱ روبه‌رو هستیم که در آن اجرای وظایف حاکمیتی با شیوه‌های انحصاری دولتی «کنترل و فرمان» قرین نمی‌شود بلکه بیشتر مبتنی بر مجموعه‌ای از ساختارهای نهادی کثرت‌گرا و غیرمتمرکز می‌باشد.^۲ در واقع، مدل «کنترل و فرماندهی»^۳ «حکومت»^۴ به مدل «حاکمیت شبکه‌ای»^۵ تغییر یافته است که در این مدل جدید، قدرت و اختیار یک مقام واحد چیره نمی‌باشد بلکه ساختارهای نهادی پراکنده، کمتر سلسله‌مراتبی و بیشتر کثرت‌گرا یا «غیرمتمرکز» از مجریان قدرت می‌باشند.^۶ با افزایش چشم‌انداز تکثرگرایی و بازاری شدن، شاهد افزایش ساماندهی‌های برون‌سپاری هستیم که در آن بخش خصوصی با دولت برای ارائه و تأمین خدمات دولتی قرارداد منعقد می‌کند. این ساماندهی قراردادی در خدمات مربوط به زندان و تعلیق کیفر معمول است اما در زمینه فعالیت‌های پلیسی و امنیت نیز روند رو به فزاینده‌ای داشته که اغلب با عنوان «همکاری‌های تجاری»^۷ شناخته می‌شود.^۸ رشد سریع صنعت امنیت خصوصی و از جمله حرکت به سوی پلیس خصوصی، ریشه در ناتوانی نظام عدالت کیفری در تأمین نیازهای شهروندان دارد به‌ویژه نیاز به احساس امنیت و ایمنی. اگر پلیس دولتی کم باشد یا به جرایم ارتكابی در یک شرکت خاص یا محله‌ای واکنش و پاسخ ندهد، آن شرکت یا محله با اقدامات خود از جمله به‌کارگیری مأموران خصوصی یا قرارداد بستن با یک نهاد امنیت خصوصی پاسخ خواهد داد تا امنیت را افزایش دهد. صنعت امنیت خصوصی در ابتدا در کشور آمریکا جلوه یافت و سپس به سایر کشورها از جمله انگلستان وارد شد. محدودیت منابع، رشد قابل توجه هزینه‌های پلیس در سال‌های پس از پیروزی انتخاب مارگارت تاچر^۹ در سال ۱۹۷۹ و افزایش قابل توجه میزان جرم، بالا رفتن پاسخ‌گویی به تماس‌ها و گزارش‌های جرم و افزایش مسئولیت اداری مأموران پلیس موجب رشد صنعت امنیت خصوصی در انگلستان شد و در اواخر دهه ۱۹۸۰، برنامه خصوصی‌سازی دولت به نظام عدالت کیفری بیشتر از قبل گسترش یافت؛ به‌طوری‌که آمار بیانگر آن است در بریتانیا تعداد پلیس وابسته به بخش خصوصی دو برابر پلیس دولتی است.^{۱۰} در حقوق کیفری ایران با توجه به آنکه

1. Government to Governance

2. See: Roderick Rhodes, "The Hollowing Out of the State: The Changing Nature of the Public Service in Britain", *The Political Quarterly* 65(1994):138-151.

Nikolas Rose, "Government and Control", *The British Journal of Criminology* 40(2000): 321-339.

3. Command and Control

4. Government

5. Networked Governance

6. See: Micheal Moran, "The Rise of the Regulatory State in Britain", *Parliamentary Affairs* 54(2001):19-34.

7. Business Partnerships

8. Stuart Lister and Anthea Hucklesby, "The private sector and criminal justice: An introduction", In *The private sector and criminal justice*, ed. Stuart Lister et al. (Basingstoke: palgrave macmillan, 2018): 3-4.

9. Margaret Thatcher

←10. Clifford Shearing and Les Johnston, *Governing security, explorations in policing and justice*

تأمین‌کننده اصلی تأمین امنیت، دولت و نیروهای وابسته به آن از جمله پلیس است؛ از زمان تشکیل نیروی پلیس تاکنون سه رویکرد بر آن مسلط بوده است: دوره نخست، پلیس در خدمت حکومت و حاکمان و برای محافظت از آنان به‌وجود آمده است، این شکل سنتی پلیس است. این نوع پلیس، مختص دوران پیشامدرن است. هم‌زمان که تحولات سیاسی - اقتصادی جامعه را با تغییرات زیادی مواجه ساخت، افزایش جمعیت و شهرنشینی مسائل متعددی را برای جامعه به همراه آورد. براین اساس پلیس برای برخورد با این مسائل، از شکل سنتی خود خارج شده و به شکل حرفه‌ای تبدیل شد؛ بنابراین دوره دوم عملکرد پلیس به دوره پلیس حرفه‌ای و تخصصی موسوم است. به تدریج که جامعه پیچیده‌تر می‌شد دستگاه پلیس برای تطبیق با شرایط جدید گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شد؛ تا اینکه با تسلط رویکرد مشارکت‌گرایانه در توسعه در دهه‌های اخیر، دستگاه پلیس نیز تحت تأثیر این رویکرد وارد مرحله سوم توسعه خود شد و رویکرد مشارکت‌گرایانه را سرلوحه کار خود قرار داد. در این دوره مشارکت و قدرت‌دهی به مردم و برون‌سپاری فعالیت‌ها به شعار اصلی پلیس تبدیل شد.^{۱۱} باتوجه‌به رویکرد مشارکت‌گرایانه، روش‌های مرسوم در واگذاری فعالیت‌هایی که در نیروی انتظامی اجرایی است را به چهارگونه می‌توان تقسیم‌بندی کرد. نخست، انتقال خدمات به سازمان‌های خصوصی یا غیردولتی است که در این نوع واگذاری، کل فرایند به همراه مسئولیت‌ها و اختیارات مربوط به آن به بخش خصوصی واگذار می‌شود و نیروی انتظامی به‌طور کامل خود را از این فعالیت‌ها جدا می‌کند. دوم، واگذاری بخشی (پیمانکاری) که نیروی انتظامی برخی از امور خود را به بخش خصوصی واگذار می‌کند، اما همچنان مسئول کار و متولی عرضه خدمات باقی می‌ماند. در این روش، نیروی انتظامی با شکست کار و ارزیابی توانایی بخشی خصوصی، بخشی از فعالیت‌ها را واگذار می‌کند و در برخی از زمینه‌ها حق دخالت در امور را نیز تفویض می‌کند. ازجمله اصلی‌ترین روش‌های واگذاری در این حوزه می‌توان به قرارداد اجاره و پیمان مدیریت اشاره نمود. این عمل در چهارچوبی قراردادی صورت می‌گیرد که مدت و اجرت مربوط به آن مشخص است. سوم، برون‌سپاری به شیوه شراکت (همکاری با بخش خصوصی)؛ این نوع از برون‌سپاری توافقی قراردادی بین بخش‌های دولتی و خصوصی است که در آن بخش خصوصی، به نمایندگی از دولت، برخی از فعالیت‌های دولت را در زمان مشخص و با چهارچوب مذاکرات صورت گرفته و میزان خطر و پاداش‌های تعیین شده اجرا می‌کند. درواقع، مشارکت دولتی - خصوصی حفاصل بین تهیه و تدارک سنتی خدمات توسط بخش دولتی و خصوصی‌سازی کامل را شامل می‌شود. در این روش نیروی انتظامی و بخش خصوصی هر یک قسمتی از سرمایه‌گذاری و مسئولیت کار را برعهده می‌گیرند و با مشارکت یکدیگر به عرضه خدمات یا تولید می‌پردازند. چهارم، درون‌سپاری (واگذاری به سازمان‌های زیرمجموعه)؛ یکی از مؤثرترین روش‌های واگذاری واحدهای دولتی فروش این واحدها به مدیریت و کارکنان خود واحد است که

(London: Routledge, 2003), 145-146.

۱۱. موسی عنبری و دیگران، «مشارکت امنیتی و انتظام مشارکتی بررسی تجارب و زمینه‌های مشارکت مردمی در تأمین نظم و امنیت (با تأکید بر ایران)»، *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی* ۲(۱۳۸۸)، ۸۷ به نقل از توحید عبدی، «تبیین جامعه‌محوری در سازمان پلیس»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی* (۱۳۸۲).

ضمن تقویت انگیزه مالکیت، کارایی واحد مشمول واگذاری را تا حد زیادی افزایش می‌دهد.^{۱۳} از میان انواع مشارکت آنچه که در خصوص امنیت تجلی یافته است واگذاری بخشی (پیمانکاری) است. زمانی که صنعت امنیت خصوصی و ارکان آن با حقوق ایران تطبیق داده می‌شود در مرحله پیش از ارتکاب جرم مرادف با ظهور مؤسسات خدمات حفاظتی - مراقبتی و کارآگاهان خصوصی است؛ بدین‌گونه که در راستای ارتقای سطح امنیت در جامعه با جلب مشارکت مردمی در جهت گسترش امنیت عمومی و تبیین برنامه چهارم توسعه اقتصادی در قالب اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری بخشی از وظایف نیروی انتظامی به بخش خصوصی واجد صلاحیت و مجرب، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اقدام به اجرای طرح نگهبان محله کرد و با تأسیس دو مجموعه مؤسسه انتظام و مرکز انتظام، مقدمات پیدایش مؤسسات خدمات حفاظتی - مراقبتی را فراهم آورد. این مؤسسات شرکت‌هایی هستند که در قالب اشخاص حقوقی و برابر قوانین تجارت و کار و تأمین اجتماعی و ضوابط و آیین‌نامه‌های اجرایی مرکز انتظام ناجا به منظور حفاظت از اماکن و تأسیسات فاقد رده حفاظتی تشکیل می‌گردند و در واقع می‌توان نقش این مؤسسات را با پیشگیری وضعی از جرم پیوند زد. این صنعت در مرحله پس از ارتکاب جرم مرادف با به‌کارگیری بخش خصوصی و استفاده از خدمات آن در اجرای کیفر است.

در آمریکا و سپس در انگلستان که مهد این صنعت هستند، در ابتدا رویکرد «شریک جزء»^{۱۳} به صنعت امنیت خصوصی وجود داشت یعنی انجام وظایف «پلیسی» توسط نهادهای خصوصی تا حد زیادی مکمل و متمم فعالیت‌های پلیس «دولتی» بود، سپس با فراگیر شدن این صنعت، لقب «شریک برابر»^{۱۴} پلیس دولتی به این صنعت اعطا شد.^{۱۵} در واقع در نظر برخی نویسندگان «شریک جزء» بر این موضوع دلالت دارد که امنیت خصوصی فرع بر نظام عدالت کیفری است، اما در مقابل استدلال شده است نظام عدالت کیفری برای امنیت خصوصی نقش فرعی دارد و امنیت خصوصی تنها زمانی که قادر به حل مشکلات به روشی که در راستای منافع مشتریان خویش نباشد، به عدالت کیفری توسل می‌جوید. شایان ذکر است که گفته شود مأموران ارشد پلیس دولتی ترجیح می‌دهند امنیت خصوصی را به‌عنوان «شریک جزء» نظام عدالت کیفری معرفی کنند؛ برای امنیت خصوصی هم این‌گونه معرفی کردن سبب کاهش ترس عموم از اینکه تصور کنند امنیت خصوصی «جایگزین شده»^{۱۶} و یا اینکه «ارتش خصوصی»^{۱۷} ایجاد شده است، می‌شود. این امر همچنین موجب مشروعیت و پذیرش بیشتر امنیت خصوصی در دیدگاه پلیس دولتی می‌شود.^{۱۸} در حقوق کیفری ایران باتوجه‌به

۱۲. مهدی بشیری و دیگران، «طراحی راهبردها و رویکردهای برون‌سپاری در نیروی انتظامی»، توسعه سازمانی پلیس ۵۴(۱۳۹۴)، ۲۵-۲۷.

13. Junior partner

14. Equal partner

15. Mark Button, *The private policing* (London and New York: Routledge, 2019), 99.

16. Taking Over

17. Private Armies

18. Clifford Shearing and Philip Stenning, "Private security: implications for social control", *Social Problems* 30(1981): 15.

مضیق بودن حیطه اختیارات مأموران امنیت خصوصی در مرحله پیش از ارتکاب جرم و محدود کردن اختیارات آنها به حفاظت فیزیکی و نیز به رسمیت شناخته شدن نقش اندکی برای بخش خصوصی در مرحله اجرا، می‌توان بر این نظر بود که رویکرد شریک جزء مورد قبول واقع شده است. پژوهشی که به صورت خاص بر صنعت امنیت خصوصی تأکید کند، وجود ندارد و محتوای پژوهش‌های حاضر بر مواردی همچون دلایل موافقان و مخالفان خصوصی‌سازی در عرصه عدالت کیفری،^{۱۹} پلیس خصوصی و^{۲۰} فعالیت‌های شرکت‌های امنیتی خصوصی نظامی در عرصه بین‌المللی^{۲۱} تمرکز یافته است. آنچه که این اثر را از سایر آثار متمایز می‌کند آن است که پژوهش حاضر تطبیقی است و به مقایسه صنعت امنیت خصوصی ایران با کشوری می‌پردازد که به لحاظ تاریخی سابقه بیشتری در زمینه صنعت امنیت خصوصی دارد، شرکت‌های امنیتی خصوصی نظامی خارج از شمول این اثر هستند و همچنین به نظر نویسندگان این اثر، پلیس خصوصی مرادف با صنعت امنیت خصوصی نیست و صنعت امنیت خصوصی فقط شامل نیروی انسانی و مراقبان امنیتی و بخش فیزیکی امنیت نمی‌شود بلکه شمول گسترده‌تری دارد که در حقوق ایران تجلی نیافته است. سؤال‌های پژوهش آن است که چه تفاوتی میان صنعت امنیت خصوصی در حقوق ایران و انگلستان به لحاظ مفهوم‌شناسی و ارکان وجود دارد و چگونه می‌توان ظهور این صنعت را با توجه به آنکه ممکن است در تضاد با اقتدار دولتی باشد، توجیه کرد و این صنعت در عرصه اجرا چگونه عمل کرده است؟ برای پاسخ به پرسش‌ها بر آنیم با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع موجود، در گفتار نخست به تحلیل مفهوم، ارکان، ارتباط امنیت دولتی و خصوصی و مبنای قانونی صنعت امنیت خصوصی در حقوق کیفری ایران و انگلستان بپردازیم و در گفتار دوم جلوه‌های خصوصی‌سازی را بیان نماییم و امکان‌سنجی واگذاری خدمات دولتی به بخش خصوصی را در عرصه عمل تبیین نماییم.

۱- مبنای خصوصی‌سازی امنیت (صنعت امنیت خصوصی)

«مبنای» در اصطلاح حقوقی، کلی‌ترین اصول، قواعد و معیارهایی هستند که نظام حقوقی مبتنی بر آن می‌باشد.^{۲۲} بدین ترتیب «مبنای امنیت خصوصی» همان اصولی هستند که «امنیت خصوصی» در یک نظام حقوقی و سیاسی بر آنها استوار گردیده است. در این گفتار به مفهوم، ارکان صنعت امنیت

۱۹. نک: علی حسین نجفی ابرندآبادی و علی زارع مهرجردی، «خصوصی‌سازی عدالت کیفری، چرایی و چالش‌ها»، *مجله تحقیقات حقوقی (ویژه‌نامه شماره ۱۱) ۱۵ (۱۳۹۱)*.

۲۰. مجید صفری، *مبانی حقوقی پلیس خصوصی در ایران* (تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت حقوقی و امور مجلس ناچا، ۱۳۹۸)، ۱۰-۷۰.

۲۱. نک: مرتضی نورمحمدی و زهرا صادقی خورجستان، «نقش و جایگاه شرکت‌های نظامی امنیتی خصوصی در امنیت»، *مجله سیاست دفاعی ۸۹ (۱۳۹۳)*.

۲۲. حسین جوان‌آراسته، *مبانی حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران* (قم: مرکز تحقیقات علمی، چاپ الهادی، ۱۳۸۳)، ۳۲.

خصوصی و ارتباط میان امنیت خصوصی و دولتی می‌پردازیم و سپس مهم‌ترین مبنا یعنی مبنای قانونی را بررسی می‌کنیم.

۱-۱- ظهور صنعت امنیت خصوصی و ارتباط آن با امنیت دولتی

مفهوم خصوصی‌سازی، خود مبهم است؛ زیرا ورای مشارکت در فرایند کیفری، ممکن است تا مرحله عدم حضور دولت در زمینه تأمین امنیت و در اختیار خود گرفتن اختیارات دولت در حوزه امنیت جلو برود. در این صورت شاهد گذار از مدل سیاست جنایی به مدل جامعوی سیاست جنایی، از نوع خودگردان خواهیم بود که منجر به بازگشت عدالت خصوصی می‌شود. برعکس، خصوصی‌سازی ممکن است، به‌عنوان یک «راهبرد حامی مدل‌های مشارکتی عدالت کیفری و کنترل اجتماعی» تلقی شود و جایگاه خود را در متغیر کیفری مدل سیاست جنایی دولت - جامعه لیبرال باز یابد.^{۲۳} باتوجه به اینکه خصوصی‌سازی در حوزه امنیت بدین معنا نیست که تأمین امنیت از متولی اصلی آن یعنی دولت گرفته شود و به بخش خصوصی واگذار شود بلکه به معنای فعالیت بخش خصوصی در کنار دولت است، خصوصی‌سازی در حقوق ایران و انگلستان به‌عنوان یک راهبرد حامی مدل‌های مشارکتی عدالت کیفری تلقی می‌شود. پژوهشگران در مورد مبنای اصلی ورود بخش خصوصی در قلمروهای مختلف به‌ویژه در حوزه اقتصاد به تفکر نتولیرالیسم استناد کرده‌اند؛ چراکه نتولیرالیسم با تأکید بر خصوصی‌سازی، اقتصاد محوری، نقش بازیگران غیردولتی و ظهور تهدیدهای نوین، دولت را نیز به‌عنوان بازیگر اصلی در کنار سایر بازیگران در نظر می‌گیرد.^{۲۴} تعمیم این تفکر به حوزه امنیت و حقوق کیفری که از جلوه‌های اقتدار حاکمیت است، مورد تردید است زیرا تفکر لیبرال بر این اندیشه مبتنی است که همه افراد در جامعه آزادند تا در کسب‌وکار خصوصی مشارکت کنند، مشروط بر اینکه به دیگران آسیب نزنند اما این مزیت در اصل به تأمین امنیت گسترش نمی‌یابد و ارائه این کالای «اصلی» (امنیت) منحصر با دولت است. منطق پشت این گزاره بر سه اصل مبتنی است. نخست، برای مشارکت و به‌دست آوردن مزایای کسب‌وکار خصوصی، افراد باید در یک نظم اجتماعی پایدار و قابل‌پیش‌بینی زندگی کنند که در آن آزادی‌های‌شان به شیوه‌ای برابر و منصفانه تأمین شود - یعنی به امنیت نیاز دارند. دوم، ماهیت امنیت به‌گونه‌ای نیست که به‌عنوان یک کسب‌وکار خصوصی تلقی شود زیرا ناگزیر موجب نظم اجتماعی ناعادلانه خواهد شد که در آن آزادی‌های برخی افراد (ثروتمندان) با قربانی کردن دیگران (فقیران) همراه خواهد شد. سوم، مسئولیت تأمین امنیت با رضایت به یک نهاد جمعی قانونی (دولت مدرن) واگذار شده است که اهلیت حمایت از آزادی‌های تمام افراد را به شیوه‌ای منصفانه و برابر به لحاظ نظری برعهده دارد.^{۲۵} در واقع در اینجا می‌توان به نظریه توماس

۲۳. علی حسین نجفی ابرند آبادی، مترجم، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی* (تهران: میزان، ۱۳۹۵)، ۱۷۶.

۲۴. نورمحمدی و صادقی خورجستان، پیشین، ۲۱۳.

25. Adam White, "private security and the politics of accountability", in *Accountability of policing*, ed. Stuart Lister et al. (London: Routledge, 2015), 181.

هابز^{۲۶} اشاره کرد که مدل «اقتدارگرایی»^{۲۷} و انحصار و اقتدار دولت بر تمهید امنیت حاکم را به رسمیت می‌شناسد و بخش امنیت خصوصی را به حاشیه هدایت می‌نماید. شاید بتوان بدین گونه تفسیر کرد که اگر در شکل سنتی زمامداری، مسئله امنیت و عدالت در انحصار دولت بود در شکل نئولیبرال، افراد، نهادها و جوامع محلی به پذیرفتن مسئولیتی فعال در مدیریت مسئله جرم تشویق می‌شوند.^{۲۸} در حقوق ایران، باتوجه به جدید بودن این حوزه مبنای فقهی خاصی قابل استناد نمی‌باشد و در میان اصول قانون اساسی، اصل ۴۴ از اصول مورد توجه در بحث خصوصی‌سازی است. این اصل، نظام اقتصادی کشور را بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی صحیح و منظم استوار کرده است؛ یعنی هر نهاد و بنگاه اقتصادی که در ایران قصد فعالیت داشته باشد، در نهایت زیرشاخه یکی از بخش‌های سه‌گانه قرار می‌گیرد. اصل ۴۴ به صورت مستقیم و صریح ورود بخش خصوصی به ارائه خدمات انتظامی را منع نکرده و مقررات سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و قوانین مربوطه، بر این ادعا گواهی می‌دهند. البته شایان ذکر است که گفته شود، در برخی حوزه‌ها بخش خصوصی اجازه فعالیت ندارد، مانند فعالیت‌های محرمانه امنیتی و نظامی. بند سوم اصل ۱۱۰ قانون اساسی، رهبری را فرمانده کل نیروهای مسلح می‌داند و ایشان نیز با استفاده از اختیارات قانونی‌شان و همچنین از طریق تعیین سیاست‌های کلی نظام و اصل ۴۴ دروازه ورود بخش خصوصی به حوزه فعالیت‌های پلیسی را گشوده‌اند.

در اغلب نوشته‌ها، «پلیس خصوصی»^{۲۹} مترادف با «امنیت خصوصی» به کار برده می‌شود چرا که مجری اصلی تأمین امنیت پلیس است اما می‌بایست میان این دو تمایز قائل شده زیرا تفاوت زیادی در خدمات امنیتی ارائه شده توسط صنعت امنیت خصوصی وجود دارد و پلیس خصوصی دامنه فعالیت‌های بسیار گسترده‌تر و پراکنده‌تری را نسبت به امنیت خصوصی دربرمی‌گیرد.^{۳۰} امنیت خصوصی معمولاً به «انجام فعالیت پلیسی برای کسب سود»^{۳۱} تعریف می‌شود؛^{۳۲} بدین معنا که فعالیت پلیسی شرکت‌های امنیت خصوصی متناسب با اهداف مشتریان شرکت و نیز سودآوری تعریف می‌شود. در صورتی که هدف اصلی مشتریان سودآوری نباشد (مانند ارائه خدمات مربوط به سلامت، آموزش و ...) همان هدف اصلی تعیین‌کننده و شکل‌دهنده فعالیت‌های امنیت خصوصی می‌باشد. مشتری محور بودن، نتایج مهمی بر ماهیت فعالیت‌های پلیسی امنیت خصوصی به وجود آورده؛ بدین گونه که در نظام عدالت کیفری، دولت بی‌طرف است و افراد برحسب جرایمی که علیه

26. Thomas Hobbes

27. Monopoly

۲۸. کاتیا، فرانکو آس، جهانی‌سازی و جرم، ترجمه یوسف بابایی و اصلی عباسی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۰)،

۲۲۲-۲۲۳.

29. Private Policing

۳۰. نک: غلامرضا محمدنسل، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم (تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری

ناجا، ۱۳۸۷)، ۱۰-۲۰.

31. Policing for Profit

32. Scull Spitzer, "privatization and capitalist development: The case of the private police", *social problem* 25(1977): 27.

منافع عمومی مرتکب می‌شوند، مورد قضاوت قرار می‌گیرند. در مقابل، در امنیت خصوصی مشکلات بر حسب «سودجویانه بودن»^{۳۳} تعریف می‌شوند؛ یعنی رفتار ارتكابی براساس اینکه آیا منافع مشتریان را تهدید می‌کند یا خیر مورد قضاوت واقع می‌شود، نه براساس اینکه خلاف استانداردهای اخلاقی و قانونی است. برخی نویسندگان معتقدند، به کار بردن «صنعت امنیت خصوصی»، به درستی این صنعت را تشریح نمی‌کند. نخست آنکه، درست است که صنعت امنیت خصوصی در حال رشد و شکوفایی است - در مقایسه با تمام شیوه‌های تجاری تأمین خدمات امنیتی برای مشتریان - اما این صنعت خصوصی قراردادی فقط یک جنبه از ابعاد پدیده امنیت خصوصی را بیان می‌کند. جنبه دیگر امنیت خصوصی با نام «داخلی، درون‌سازمانی، شرکتی»^{۳۴} است که منظور از این نوع از امنیت خصوصی آن است که شرکت یا سازمان برای تأمین امنیت با نیروی خارج از سازمان، قراردادی منعقد نمی‌کند بلکه از نیروی درون‌سازمانی خویش بهره می‌برد؛^{۳۵} این جنبه به شدت توسعه یافته و موجب شده شرکت‌های بزرگ، سرمایه‌گذاری‌های مهمی در گسترش و تقویت نظام‌های امنیت داخلی خویش انجام دهند. دومین دلیل که باعث می‌شود واژه «صنعت امنیت خصوصی» توصیف‌گری مناسب برای امنیت خصوصی نباشد آن است که دربرگیرنده افزایش پیامدهای گسترده‌تر سیاسی و اجتماعی این پدیده است. نمی‌توان ماهیت فعالیت‌های پلیسی دولتی را فقط با اشاره به نهاد پلیس دولتی توصیف کرد، بلکه باید به تمام چهارچوب عدالت کیفری دولتی اشاره کرد که پلیس دولتی یک بخش حیاتی از آن است، بنابراین برای فهم امنیت خصوصی ضروری است بافت وسیع‌تری از نظام کیفری خصوصی در نظر گرفته شود که در آن امنیت خصوصی فقط مظهری آشکارتر و به راحتی قابل تشخیص است.^{۳۶} در واقع تأمین امنیت توسط بخش خصوصی یک جزء از این صنعت است و جلوه‌های دیگری نیز دارد که می‌بایست در عرصه اجرای عدالت کیفری تبیین شود.

صنعت امنیت خصوصی در انگلستان دارای بخش‌های مهمی به شرح ذیل است: «نیروی انسانی مراقب»^{۳۷} مشهودترین و اولین بخش است، این بخش شامل چهار گروه می‌شود: گروه اول، نگهبانان (مراقبان) امنیت دارای لباس فرم که با آنها قرارداد منعقد می‌شود تا به محافظت از مکان‌هایی همچون کارخانه‌ها، مراکز خرید، پارک‌ها، مراکز تفریحی، فرودگاه‌ها و ... پردازند؛ گروه دوم، کارکنان امنیتی در زمینه جابه‌جایی و حمل و نقل پول و اسناد بهادار؛^{۳۸} گروه سوم، مأموران امنیتی که در محل‌هایی همچون هتل‌ها، رستوران‌ها، مسابقات ورزشی، کنسرت‌ها، کلوب‌ها و ... به ارائه خدمات می‌پردازند^{۳۹} و نقش اصلی در برقراری نظم و بیرون راندن افراد آشوبگر دارند و مانع ورود افراد مست به این

33. Instrumental

34. In house /Proprietary Security

35. Albert Sydney Hornby, et al, *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English* (England: university of oxford: 2010), 800.36. Philip C. Stenning et al., "Modern private security: Its growth and implications", *The university of Chicago press* 3(1981), 194-195.

37. The Manned Guarding

38. Cash and Valuables in Transit (CVIT)

39. Door Supervisor (DS)

مکان‌ها می‌شوند و همچنین مانع بروز رفتارهای تهاجمی یا خلاف مقررات می‌شوند؛ گروه چهارم، بادیگارد‌ها و محافظان شخصی هستند. دومین بخش، «کارآگاهان خصوصی»^{۴۰} که به ارائه خدمات تحقیقاتی به‌ویژه در زمینه جرایم مربوط به کلاهبرداری، تقلب، جعل، تحقیقات مربوط به مالکیت معنوی و ... می‌پردازند. سومین بخش، «مشاوران خصوصی»^{۴۱} هستند؛ بسیاری از تولیدکنندگان و نصب‌کنندگان وسایل و تجهیزات امنیتی افرادی را به‌منظور ارائه مشاوره و راهنمایی مشتریان در مورد استفاده از وسایل امنیتی استخدام می‌کنند. چهارمین بخش، «خدمات مربوط به بازداشت»^{۴۲} است. در برخی کشورها مانند انگلستان، ایالات متحده آمریکا و استرالیا سیاست خصوصی سازی عدالت کیفری اجرا می‌شود که موجب ارائه خدمات از سوی بخش خصوصی شده است. از جمله: خدمات جابه‌جایی زندانیان، اداره مراکز بازداشت مهاجران، زندان‌ها و سایر مراکز حبس و طرح گذاردن میکروچیپ در بدن افراد.^{۴۳} در انگلستان و ولز تقریباً همه جابه‌جایی‌های زندانیان توسط بخش خصوصی انجام می‌گیرد (به‌جز زندانیان بسیار خطرناک) و شرکت‌های امنیت خصوصی به افراد محکوم‌شده و تعیین کیفرشده به دستورهای منع رفت‌وآمد^{۴۴} و آنهایی که مشمول نظارت الکترونیکی شده‌اند، خدمات ارائه می‌کنند. پنجمین بخش این صنعت «نصب‌کنندگان، توزیع‌کنندگان و سازندگان وسایل فیزیکی امنیتی»^{۴۵} هستند. برخی نویسندگان باتوجه‌به ظهور اینترنت و رشد تکنولوژی و وسایل مرتبط با آنکه خطرات گوناگونی به‌وجود آورده و ماهیت خطرات سنتی را تغییر داده، از «صنعت امنیت خصوصی جدید»^{۴۶} نام برده‌اند که سیستم‌های امنیتی سایر جلوه‌های از این صنعت جدید می‌باشند. حفاظت از اطلاعات و داده‌های شخصی یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های امنیت سایبری است.^{۴۷} در انگلستان علاوه بر امنیت فیزیکی، امنیت اطلاعات و داده‌ها نیز بخشی از این صنعت است. در حقوق ایران باتوجه‌به ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه، به مؤسسات باتوجه‌به نوع فعالیت و توانمندی آنها و براساس ضوابط و استانداردهای مصوب، پروانه فعالیت در سه رتبه اعطاء می‌شود که رتبه سوم و دوم بر مراقبت فیزیکی از اماکن مصرح در ماده، حمل‌ونقل پول و اوراق بهادار دلالت می‌کند و رتبه یکم شامل مراقبت از گردشگران، طراحی و مشاوره در زمینه طرح‌های حفاظتی، تولید، واردات و صادرات اقلام، تجهیزات و سامانه‌های حفاظتی و مراقبتی الکترونیکی و آموزش نیروی انسانی مرتبط با موضوع این آیین‌نامه می‌شود. از مقایسه ارکان صنعت امنیت خصوصی در حقوق دو کشور این‌گونه برداشت می‌شود که در مرحله پیش از ارتکاب جرم، شباهت زیادی وجود دارد اما در مرحله اجرا با تفاوت مواجه هستیم که در قسمت جلوه‌ها توضیح خواهیم داد.

در زمینه پذیرش صنعت امنیت خصوصی و تعامل آن با امنیت دولتی به دو مدل می‌توان اشاره

40. Private Detectives

41. Security Consultants

42. Detention Services

43. Running Tagging Schemes

44. Curfew Orders

45. Installers, Distributors and Manufacturers of Physical Security Equipment

46. New Private Security Industry

47. Button, The private policing (op.cit), 154- 159.

کرد: نخست، مدل «اقتدارگرایی»^{۴۸} است که انحصار و اقتدار دولت بر تمهید امنیت حاکم است و بخش امنیت خصوصی به حاشیه هدایت می‌شود. این مدل به نظریه هابز در کتاب لویاتان اشاره دارد؛^{۴۹} از این مدل این‌گونه برداشت می‌شود که ساماندهی‌های خصوصی غیرقانونی هستند و موجب بی‌نظمی خواهد شد، در مقابل ساماندهی امنیت به صورت دولتی، قانونی است و موجب صلح و ثبات خواهد شد. بدیهی است که این مدل منسوخ است زیرا در دوره‌ای هستیم که امنیت خصوصی به دلیل تقاضاهای فراوان مردم در حال رشد و شکوفایی است. مدل دوم، «حاکمیت غیرمتمرکز یا حاکمیت شبکه‌ای»^{۵۰} است. این مدل تحت تأثیر مشاهدات «شرینگ و استانینگ»^{۵۱} در زمینه ارتباط نزدیک بین ظهور «مالکیت خصوصی در سطح وسیع»^{۵۲} و گسترش تمهید امنیت خصوصی شکل گرفت. این دو محقق استدلال کرده‌اند رشد امنیت خصوصی در آمریکای شمالی به ظهور مالکیت خصوصی در سطح وسیع مربوط می‌شود،^{۵۳} بدین معنا که بیشتر زندگی مردم در اموالی صورت می‌گیرد که به صورت خصوصی اداره می‌شوند. نظریه پردازان این مدل معتقدند متعاقب شکل‌گیری این نوع مالکیت، «عاملان و نهادهای مسئول برای سیاست‌گذاری راهبردهای امنیت»^{۵۴} و همچنین «تأمین‌کنندگان خدمات امنیت»^{۵۵}، در درجات مختلفی خصوصی‌سازی شده‌اند؛^{۵۶} و نباید هیچ‌گونه مرزی میان کارگزاران دولتی یا خصوصی امنیت ترسیم شود. همه عاملان در شبکه‌های بخش امنیت صرف‌نظر از خصوصی یا دولتی بودن، برای رسیدن به اهداف خویش وابسته به یکدیگر

48. Monopoly

۴۹. هابز به سه گزاره بنیادین تأکید دارد: «نخست، هر فردی در هر جمعیتی به دنبال اجرای امنیت برای خویش است و اگر بخواهد متناسب با شرایط شخصی خویش امنیت را اجرا کند موجب هرج و مرج و بی‌نظمی می‌شود؛ زیرا ماهیت انسان بدین‌گونه است که هر فردی طیف گوناگونی از اولویت‌ها را در زندگی‌اش دارد؛ بنابراین، زمانی که تعدد ساز کارهای امنیت خصوصی مطابق با این مجموعه گوناگون از اولویت‌ها شکل می‌گیرد، تعارض و تضاد به صورت اجتناب‌ناپذیر به دنبال خواهد آورد؛ دوم آنکه، به‌منظور برتری یافتن بر این بی‌نظمی شدید، این افراد باید از وابستگی خویش بر ساماندهی‌های شخصی یا خصوصی اجتناب کنند و به‌سوی ساماندهی جمعی حرکت کنند که در آن امنیت به‌عنوان کالای عمومی تأمین می‌شود. هابز استدلال می‌کند این امر فقط زمانی محقق می‌شود که هر فردی از منابعش که برای ساماندهی‌های شخصی خویش سرمایه‌گذاری می‌کرده، دست بکشد و آنها را به یک نهاد دولتی واحد منتقل کند که این نهاد همان لویاتان یعنی دولت مدرن است و این لویاتان از قدرت و ابزارهای خویش به صورت مقتضی برای دفاع از فرمان و صلح استفاده می‌کند؛ سوم آنکه، هر فردی باید «قدرت و ابزارهای» خویش را با اراده‌ای آزاد به لویاتان بدهد که «قرارداد اجتماعی» نتیجه آن می‌باشد». از این مدل این‌گونه برداشت می‌شود که ساماندهی‌های خصوصی غیرقانونی هستند و موجب بی‌نظمی خواهد شد، در مقابل ساماندهی امنیت به صورت دولتی، قانونی است و موجب صلح و ثبات خواهد شد. (Thomas Hobbes, *Leviathan* (Oxford: Oxford University Press, 1996), 66, 114)

50. Nodal or Networked Governance

51. Shearing and Stening

52. Mass Private Property

53. Shearing et al. (op.cit), 240

54. Directing Security Strategies (Auspices)

55. Delivering Security Service (Providers)

56. David H. Bayley and Clifford D. Shearing, "The New Structure of Policing: Description, Conceptualization and Research Agenda", (Study/ Research, Washington: National Institute of Justice, 2001), 3.

هستند و بخش امنیت با رقابت و اتحاد میان کارگزاران خصوصی و دولتی امنیت مشخصه و ویژگی می‌یابد.^{۵۷} زمانی که تشکیل این شبکه‌ها (کارگزاران بخش دولتی و خصوصی)^{۵۸} را بررسی می‌کنیم، نباید این پیش‌فرض وجود داشته باشد که کنشگران دولتی دارای هرگونه اولویت خاصی بر کنشگران خصوصی هستند. به بیان دیگر، اگرچه مأموران امنیت خصوصی جایگاه بسیار معروفی را در بخش کنونی امنیت به‌دست آورده‌اند؛ اما به‌عنوان یک اصل آنان همچنان به لحاظ سلسله‌مراتبی در مرتبه پایینی در مقایسه با عاملان دولتی هستند.^{۵۹} در بریتانیا نمی‌توان ظهور مالکیت خصوصی به‌طور وسیع و تغییرات در مالکیت را مانند آمریکای شمالی، عامل مؤثری در تحلیل فعالیت‌های پلیسی دانست. از اوایل دهه ۱۹۷۰ بود که بریتانیا با رشد قابل توجهی در تعداد پارک‌های تفریحی، مغازه‌ها و مراکز دارای مالکیت خصوصی مواجه شد؛ بنابراین در زمینه اجرای تئوری مالکیت خصوصی در سطح وسیع در بریتانیا نباید اغراق کرد؛ زیرا نخست، قانون مدون در بریتانیا محدودیت‌های مهمی را در چنین پیشرفت‌هایی ایجاد کرد به‌ویژه رشد مراکز خرید خارج از شهر. دوم، رشد «جوامع محصور»^{۶۰} در بریتانیا به دلیل مداخله بیشتر دولت بسیار کمتر از آمریکای شمالی بوده است.^{۶۱} به‌نظر می‌رسد در حقوق ایران همچنان دولت‌محور بودن امنیت حاکم است و به‌صورت بسیار جزئی و همراه با ضوابط مشخص و دقیق، بخش خصوصی در حوزه امنیت ورود یافته است.

۱-۲- رویکرد قانونی به صنعت امنیت خصوصی

در حقوق ایران، افزون بر قوانینی^{۶۲} که بر مشارکت مردم در پیشگیری از جرم و تأمین امنیت اشاره کرده است، می‌توان به قوانین اختصاصی در ارتباط با خصوصی‌سازی و امنیت خصوصی اشاره کرد: ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ایران مصوب ۱۳۸۳، سیاست‌های کلی اصل ۴۴، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. با توجه به متن ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه، وزارت کشور عهده‌دار اجرای فرایند برون‌سپاری خدمات پلیسی از طریق نیروی انتظامی است و واگذاری بخشی از خدمات انتظامی و حفاظتی به مؤسسات غیردولتی، منوط به تصویب آیین‌نامه‌ای شد؛ در

57. Jennifer Wood and Clifford D. Shearing, *Imagining security* (Cullompton: Willan, 2006), 28

58. منظور شرینگ و استانینگ از «شبکه امنیتی» مجموعه‌ای از کنشگران یا شبکه‌های نهادی، سازمانی، گروهی یا فردی است که با یکدیگر مرتبطند به‌منظور تأمین امنیت در راستای منافع ذی‌نفعان داخلی یا خارجی.

See: Benoit Dupont, "Security in the age of networks, policing and society", *policing and society* 14(2004): 78.

59. Shearing and Johnston., op. cit., 22.

60. Gated Communities

61. Tim. Nweburn, "The commodification of policing: security networks in the late modern city", *Urban Studies* 38 (2001), 840.

۶۲ بند ۳ ماده ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴، یکی از اهداف تشکیل شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم را بررسی و تصویب برنامه‌های کلان برای گسترش فرهنگ، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم و نهادهای دولتی و غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از آنها می‌داند.

آبان ۱۳۸۸ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه مشتمل بر پیشگفتار، پنج فصل، ۳۹ ماده و ۳۸ تبصره تصویب شد. ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی این ماده، هدف از تأسیس این مؤسسات را ارتقای ظرفیت و توان نیروی انتظامی در پیشگیری از وقوع جرایم و ارائه خدمات انتظامی به مردم و نیز تقویت امنیت عمومی با جلب مشارکت‌های مردمی و همچنین افزایش احساس امنیت با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش غیردولتی در بخشی از امور اجرایی خدمات انتظامی، اعلام می‌دارد. مرکز خدمات حفاظتی و مراقبتی ناجا، بخشی از پلیس پیشگیری ناجا است که صدور مجوز فعالیت مؤسسات خدمات حفاظتی و مراقبتی مندرج در این آیین‌نامه و اعمال کنترل و نظارت دقیق بر فعالیت آنها را (در استان‌ها و شهرستان‌ها توسط رده مربوط) برعهده دارد. در انگلستان و ولز پس از سی سال مبارزه برای قانونگذاری، «قانون صنعت امنیت خصوصی»^{۶۳} در سال ۲۰۰۱ تصویب شد که این قانون به تبیین مواردی مانند الزامی بودن کسب مجوز، استثنائات حاکم بر الزامی بودن مجوز، جرم‌انگاری عدم‌اخذ مجوز، ملاک‌های صدور مجوز، ابطال مجوز، شرایط پیمانکارهای تأیید شده، اختیارات ورود، تفتیش و ... می‌پردازد. این قانون یک نهاد غیردولتی به نام مقام صنعت امنیت را (از این پس سیا)^{۶۴} به‌وجود آورد.^{۶۵} سیا دارای طیف وسیعی از وظایف است اما مهم‌ترین آنها مربوط می‌شود به صدور مجوز برای اشخاصی که در بخش‌های مربوط به صنعت امنیت خصوصی فعالیت می‌کنند و دیگری «مدیریت طرح پیمانکار تأییدشده»^{۶۶} است.^{۶۷} مطابق قسمت ۵ ماده ۱ قانون مذکور، سیا نماینده یا کارگزار دولت نیست و همچنین از جایگاه و مصونیت دولتی برخوردار نیست و براساس ماده ۲، سیا در اجرای وظایف خویش می‌بایست از دستورالعمل‌های کلی یا خاص وزیر کشور اطاعت نماید و وزارت کشور پیش از ارائه دستورالعمل‌ها می‌بایست با سیا مشورت کند و همچنین این مقام می‌بایست اطلاعات خواسته شده از سوی وزارت کشور در مورد فعالیت‌هایش را تهیه و ارائه نماید.

در ایران با توجه به ماده ۱۹ آیین‌نامه، نیروهای شاغل در مؤسسات خدمات حفاظتی و مراقبتی موظفاند ۱۰ روز و در مجموع ۶۴ ساعت آموزش نظری و عملی را بگذرانند. ۳۸ ساعت از مجموع این آموزش‌ها مختص به مباحث نظری و ۲۶ ساعت نیز به آموزش‌های عملی اختصاص دارد. این نیروها بعد از گذراندن این آموزش‌ها و موفقیت در آنها رسماً مشغول به کار می‌شوند. افراد در آموزش‌های نظری با مباحث مختلفی از جمله نحوه اجرای قانون شهروندی، نحوه برخورد با مردم و ارباب‌رجوع و... آشنا می‌شوند. در آموزش‌های عملی نیز دوره‌هایی چون امداد و نجات و آتش‌نشانی، دفاع شخصی و... برگزار می‌شود تا کارکنان این شرکت‌ها در مواجهه با این‌گونه اتفاقات بتوانند واکنش مناسب را داشته باشند. لازم به ذکر است، پیش‌بینی شده است در هر استان یک آموزشگاه به همین منظور

63. Private Security Industry Act

64. Security Industry Authority (SIA)

۶۵ در سال ۲۰۰۳، پس از مشورت با صنعت امنیت خصوصی اسکاتلندی، تصمیم گرفته شده که اسکاتلند سیستم انگلیس را برگزیند یعنی به مقام امنیت خصوصی اجازه بدهد که در اسکاتلند هم به تدوین مقررات بپردازد.

66. Approved Contractor Scheme

67. Mark Button, "Assessing the regulation of private security across Europe", *European Journal of Criminology* 4(2007), 113-114.

راه‌اندازی شود که تاکنون در ۱۶ استان این مهم انجام شده است و کارکنان مؤسسات خدمات حفاظتی و مراقبتی در این آموزشگاه‌ها، آموزش‌های لازم را فرا می‌گیرند.^{۶۸} و مطابق تبصره ۲ ماده ۱۹ آیین‌نامه تازمان شکل‌گیری مؤسسات تخصصی که قادر به ارائه آموزش‌های مورد نیاز کارکنان و نگهبانان باشند، ناجا مجاز است آموزش‌های لازم را ارائه نماید و هزینه‌های تمام شده را دریافت و عیناً در امور آموزشی مصرف نماید. سیا در زمینه آموزش نیروهای امنیت، ۳۰ ساعت آموزش در نظر گرفته است که ۲۲ ساعت و ۳۰ دقیقه آموزش نظری و ۷ ساعت و ۳۰ دقیقه آموزش عملی است که این آموزش کوتاه‌مدت مورد انتقاد است؛ بنابراین در زمینه آموزش، سیستم ایران گام‌های مثبتی اتخاذ کرده است. سیا دو نوع مجوز صادر می‌کند، مجوز از نوع «خط مقدم»^{۶۹} که این نوع برای انجام فعالیت نیاز به مجوز به غیر از فعالیت‌های مربوط به داشتن کلید^{۷۰} الزامی است و دیگری مجوز از نوع «غیر خط مقدم»^{۷۱} است که مخصوص مدیران، ناظران و یا کارفرمایان است که افراد انجام‌دهنده فعالیت‌های مجوزدار را استخدام می‌کنند مشروط بر آنکه فعالیت از نوع خط مقدم انجام نشود.^{۷۲}

در انگلستان، فقدان مقرره‌ای برای محافظان امنیت داخلی (درون‌سازمانی) آسیب‌زا است؛ زیرا باعث می‌شود بسیاری از مأموران امنیت ملزم به کسب مجوز نباشند که این امر با هدف ارتقای این صنعت در تضاد و منجر به سردرگمی میان عموم و سایر نهادها خواهد شد زیرا احتمال بسیار زیادی وجود دارد که مأموران امنیت قراردادی و داخلی (درون‌سازمانی) در کنار هم در مکان‌هایی مانند مرکز خرید فعالیت کنند؛ این در حالی است که مأموران امنیت قراردادی آموزش دیده‌اند، مجوز دارند و تحت نظارت سیا قرار دارند اما مأموران درون‌سازمانی خارج از قلمرو سیا هستند و فقط ملزم به استانداردهایی هستند که کارفرمایان آنها الزام نموده‌اند.^{۷۳} از مقایسه میان این دو کشور می‌توان نتیجه گرفت، صنعت امنیت خصوصی در حقوق انگلستان وسیع‌تر از حقوق ایران است چراکه امنیت خصوصی شامل بادیگارد، کارآگاه خصوصی و همچنین امنیت فضای سایبر هم می‌شود؛ در حالی که در حقوق ایران طبق تبصره ۳ ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی، مؤسسات مزبور مجاز به راه‌اندازی محافظین شخصی (بادیگارد) و یا دخالت در امر تحقیق در هر زمینه‌ای (کارآگاه خصوصی) نبوده و به تصریح بند ب ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی، خدمات حفاظتی و مراقبتی به نگهبانی از اماکن، تأسیسات و تسهیلات فاقد رده حفاظتی، کنترل تردد در این‌گونه اماکن و تأمین امنیت جابه‌جایی اموال و اسناد و سایر فعالیت‌هایی که صرفاً جنبه حفاظت فیزیکی دارد، محدود شده است و همچنین در زمینه امنیت فضای سایبر پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا (فتا) فعالیت می‌کند.

۶۸ دستورالعمل دوره آموزشی نگهبانان شرکت‌ها و مؤسسات خدمات حفاظتی و مراقبتی مصوب ۱۳۸۸/۰۳/۰۵.

69. Front line licence

70. Key holding activity

دلالت بر فعالیت افرادی می‌کند که کلید محل مورد حفاظت به آنها داده می‌شود تا در زمان هشدار زنگ خطر، سرقت، تخریب و ... اقدامات لازم را انجام دهند.

71. Non front line licence

72. See: Private Security Industry Act 2001, Articles 3-12.

73. Mark, Button, Assessing the regulation of private security across Europe, 115.

۲- جلوه‌های صنعت امنیت خصوصی

۲-۱- پیش از ارتکاب جرم

ادارات پلیس به دلیل تخصص و اختیارات‌شان، یک قطب اصلی در مسائل امنیتی به شمار می‌روند ولی تأمین امنیت منحصرأ با آنها نخواهد بود بلکه خود شهروندان هم با مشارکت‌شان نقش مهمی ایفا می‌کنند. به بیان گارلند^{۷۴} درزمینه امنیت با افول تدریجی «افسانه کنترل جرم حاکمیت»^{۷۵} روبه‌رو هستیم؛^{۷۶} او به «راهبرد پاسخگو سازی»^{۷۷} اشاره دارد که در آن دولت به‌دنبال ایجاد فعالیت‌های کنترل جرم توسط افراد و نهادهای خصوصی است و مسئولیت‌های خویش را با توجه به چنین موضوعی دوباره تعریف می‌کند. پیامد این رویکرد آن است که دولت نمی‌تواند و همچنین نخواهد توانست به‌تنهایی درزمینه پیشگیری و کنترل جرم اقدام نماید. شهروندان در این زمینه مسئولیت دارند و باید رویه‌های خویش را در راستای کاهش فرصت‌های مجرمانه و افزایش کنترل‌های غیررسمی تغییر دهند.^{۷۸} این رویکرد جدید پیشگیری از جرم که در انگلستان توسعه یافت، با عبارتهایی همچون «مشارکت»^{۷۹}، «همکاری میان نهادی»^{۸۰}، «رویکرد چند نهادی»^{۸۱}، «جامعه فعال»^{۸۲}، ایجاد «شهروندان فعال»^{۸۳}، «یاری برای خودیاری»^{۸۴} قابل توصیف است.^{۸۵} و در حقوق ایران می‌توان به «مشارکت امنیتی» یا «انتظام مشارکتی» درزمینه برون‌سپاری برخی از فعالیت‌های انتظامی، مشارکت افراد و نهادهای مختلف در امنیت و نظم اشاره کرد.^{۸۶} نقش مأموران امنیت خصوصی در مرحله پیش از ارتکاب جرم با پیشگیری وضعی قرین می‌شود. مطالعات آماری انجام شده در ۱۳۴ شهر بزرگ دنیا نشان داده است که سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش پلیس عمومی به پیشگیری از وقوع جرم منتهی نشده است، درحالی‌که در حوزه پلیس خصوصی سرمایه‌گذاری بیشتر، رابطه مستقیم با کاهش آمار جرایم و پیشگیری از وقوع جرم دارد. علت این امر وجود رقابت جدی در بخش خصوصی برای یافتن راه‌های مؤثرتر برای مقاله با جرایم است.^{۸۷} بریتانیا در سال ۲۰۱۵، ۲۳۳۰۰۰ گارد امنیت

74. Garland

75. Myth of Sovereign Crime Control

76. David Garland, "The limits of the sovereign state: strategies of crime control in contemporary Society", *British Journal of Criminology*, 36(1996): 448.

77. Responsibilisation Strategy

78. Garland, op. cit., 453.

79. Partnership

80. Inter-Agency Cooperation

81. The Multi-Agency Approach

82. Activating Communities

83. Active Citizens

84. Help for Self-Help

85. Garland, op. cit., 452.

۸۶. نک: عنبری و دیگران، پیشین، ۶۰-۹۴.

۸۷. عبدالرضا جوان جعفری، «خصوصی‌سازی پیشگیری از جرم در ایران»، در رویکرد چند نهادی به پیشگیری از وقوع جرم (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم) زیر نظر محمد فرجیها و فیروز محمود جانکی، (تهران:

خصوصی داشته که این میزان بیشتر از تعداد نیروی پلیس دولتی (در سال ۲۰۱۶، ۱۵۱۰۰۰ نیرو) می‌باشد. مطابق یک پیمایش بین‌المللی در سال ۲۰۱۷، تعداد کارکنان امنیت خصوصی در ۴۴ کشور از ۸۱ کشور بیش از نیروی پلیس دولتی بوده است.^{۸۸} ارتباط و تعامل میان پلیس دولتی و امنیت خصوصی در بریتانیا از نوع مشارکت فعال^{۸۹} (امنیت خصوصی نقش برجسته‌ای در فعالیت‌های پلیسی دارد) و مشارکت مساوی و برابر^{۹۰} است. این مشارکت آن‌چنان وسیع است که موجب ایجاد طرحی به نام «پروژه گرiffin»^{۹۱} شد. این پروژه در سال ۲۰۰۴ در لندن آغاز شد، اما امروزه به چندین شهر دیگر و حتی به سایر کشورها نیز گسترش یافته است. هدف این طرح گرد هم آوردن پلیس، شرکت‌های غیرنظامی امنیت خصوصی و جامعه برای کشف، ممانعت از پیشروی و مقابله کردن با فعالیت‌های تروریستی است. این طرح ایجادکننده مجرای برای پلیس است تا اطلاعات و خبرها (جاسوسی‌ها) را به اشتراک گذارد و همچنین دریافت کند. مطابق این طرح، کارکنان مربوطه و اعضای جامعه در یک حوزه تعریف شده‌ای به رویدادهایی که آموزش مختصری را از جانب پلیس دیده‌اند، پاسخ خواهند داد از جمله آموزش‌ها عبارت است از: معرفی مقابله با تروریسم، معرفی و پاسخ به رفتار موردظن، نحوه شناسایی و مواجه شدن با بمب، تهدیدهای مربوط به بمب، پاسخ به حملات مسلحانه، چگونه گزارش دادن اطلاعات، چگونه تعقیب کردن افراد در زمان وقوع حادثه و همچنین مأموران امنیت آموزش می‌بینند تا در یک رویداد تروریستی از قوه قهریه (اجبار) اضطراری (کمکی) استفاده کنند.^{۹۲} پلیس دولتی و مأموران امنیت خصوصی هر دو در پیشگیری از جرم نقش بسزایی دارند اما می‌بایست میان عملکرد این دو نهاد تمایز قائل شد؛ نقش پیشگیرانه پلیس دولتی معمولاً به معنای «پیشگیری از جرم» است؛ درحالی‌که نقش پیشگیرانه مأموران امنیت خصوصی معمولاً با عنوان «پیشگیری از ورود خسارت»^{۹۳} توصیف می‌شود، از این رو هدف اصلی آنان حفاظت از اموال مشتریان خویش است. امنیت خصوصی «راهبرد محاسبه شده‌ای»^{۹۴} را پیشنهاد می‌دهد که در راستای نیازها و تقاضاهای هر یک از مشتریان می‌باشد. درواقع برخلاف پلیس دولتی که بر نظم عمومی و دولت اولویت می‌دهد، آنان بر منافع مشتریان خویش تأکید می‌کنند.^{۹۵} نظارت و مراقبتی که پلیس دولتی انجام می‌دهد به‌طور قانونی به مناطق عمومی مانند خیابان‌ها و پارک‌های عمومی محدود شده است، از سوی دیگر نیروهای امنیت خصوصی در مناطقی فعالیت می‌کنند که پلیس دولتی اغلب دسترسی ندارد مانند مناطق شخصی و نهادهای تجاری.^{۹۶} بنابراین یکی دیگر از تفاوت‌ها قلمرو نظارتی این

انتشارات ناچا، ۱۳۸۸)، ۱۵۵.

88. Wendy Fitzgibbon et al., *Privatising justice (The security industry, war and crime control)* (London: Pluto press, 2020), 79.

89. Active Partnership

90. Equal Partnership

91. Project Griffin

92. Mark Button, *The private policing*, 169-170.

93. Loss Prevention

94. Calculated Strategy

95. Button, *The Private Policing*, op. cit., 212.

96. Ibid, 214.

دو نهاد است. پلیس دولتی باتوجه‌به گرایش به دستگیری و توقیف،^{۹۷} مراقبت و نظارت خویش را بر افرادی که بالقوه مشکل‌ساز هستند «افراد مشکل‌دار»^{۹۸} هدایت می‌کند. این عملکرد بدون تردید فعالیتی است که مأموران خصوصی نیز به آن مبادرت می‌کنند مانند کشف سرقت از مغازه؛ این توجه به نقض قانون فقط یک جنبه است. در واقع، اهداف مراقبتی امنیت خصوصی نه‌تنها گرایش به افراد بالقوه مشکل‌ساز دارد بلکه همچنین به کسانی که در موقعیت ایجاد چنین فرصت‌هایی برای نقض قانون هستند، تمایل دارد؛ از این‌رو در امنیت خصوصی گروه هدف بسیار توسعه می‌یابد. به‌عنوان مثال، در یک مکان تجاری تمرکز مراقبت صرفاً بر ناقضان بالقوه قانون نیست بلکه هر کسی را که ممکن است در ایجاد فرصتی برای نقض قانون مشارکت کند را دربرمی‌گیرد.^{۹۹} بنابراین در مرحله پیشگیری از جرم، تفاوت بخش دولتی و خصوصی را می‌توان باتوجه‌به هدف، قلمرو فعالیت و گروه هدف تبیین کرد.

۲-۲- پس از ارتکاب جرم

نقش صنعت امنیت خصوصی در مرحله پس از ارتکاب جرم را می‌توان در مرحله تحقیقات، ابلاغ^{۱۰۰} و اجرای کیفر بررسی نمود. پیش از آنکه به توضیح مرحله تحقیقات پردازیم، می‌بایست حدود اختیارات و وظایف مأموران امنیت خصوصی در هنگام کشف جرم را بررسی نماییم. مطابق بند «ه» شق سه نامه ابلاغ آیین‌نامه، «کارکنان موسسه خدمات انتظامی (حفاظتی و مراقبتی) و دفاتر خدمات الکترونیک، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند و امور مربوط به جرایم مشهود و غیرمشهود توسط سلسله‌مراتب ذی‌ربط ناجا و مطابق مقررات کارسازی می‌شود.» ماده ۲۴ آیین‌نامه در بیان وظایف کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها «تنظیم صورت‌جلسات و تحویل و انتقال متهمین یا مظنونین به همراه لوازم و اموال همراهان آنان از نگهبانان یا مراقبین مؤسسه» را مقرر می‌دارد. «طبیعی است برای آنکه کارکنان مؤسسات بتوانند متهمین را به مأموران کلانتری‌ها تحویل بدهند، باید از قبل دارای اختیار توقیف و نگهداری متهمین باشند و گرنه استفاده از واژگان «تحویل گرفتن» در بند چهارم، عملی لغو است. تحویل متهم یا مظنون در صورتی جایز است که کارمند موسسه ولو در نقش یک شهروند، چنین اختیاری را از نظر قانون داشته باشد.»^{۱۰۱} ماده ۱۶ آیین‌نامه بیان می‌دارد: «مؤسسات حق دخالت و پیگیری امور امنیتی و اطلاعاتی و انتظامی و قضایی و فعالیت‌های خارج از مفاد این آیین‌نامه را ندارند و هرگاه در حین انجام‌وظیفه به این امور برخورد کنند موظف‌اند مراتب را بدون فوت وقت به ناجا گزارش نمایند.» استفاده از کدهای تخصیص داده شده به آنان برای ارتباط با مراکز پلیسی توسط

97. Apprehension Orientation

98. Problem Population

99. Button, *The Private Policing*, op. cit., 214.

۱۰۰. مطابق ماده ۱۷۶ ق.ا.د.ک. قوه قضائیه می‌تواند ابلاغ اوراق قضایی را به بخش خصوصی واگذار کند؛ و در این زمینه آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۲۴ مرداد ۱۳۹۵ لازم‌الاجراست. ۱۰۱. صفری، پیشین، ۶۷

کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها (بند یک ماده ۲۹ آیین‌نامه) در این راستا می‌باشد. از اطلاق تبصره ۱ ماده ۴۵ ق.ا.د.ک. نیز این‌گونه برداشت می‌شود که مأموران امنیت خصوصی از اختیارات شهروندان برخوردارند. در انگلستان، مأموران امنیت خصوصی از «هیچ اختیارات خاصی»^{۱۰۲} برخوردار نیستند یا هیچ اختیاری فراتر از «شهروندان عادی»^{۱۰۳} ندارند. منابع (ابزارهای) اختیارات مأموران امنیت خصوصی را می‌توان به دو بخش «ابزارهای قانونی عمومی»^{۱۰۴} و «ابزارهای قانونی منتخب»^{۱۰۵} تقسیم کرد. «ابزارهای قانونی عمومی» عبارت است از اختیارات قانونی که همه مأموران امنیت صرف‌نظر از نوع مکانی که در آن فعالیت می‌کنند، دارا می‌باشند. این اختیارات براساس حقوق شهروندان یا اختیارات ذکر شده در قانون برای «هر فردی» است و از جمله شامل حق شهروندان بر دستگیری می‌شود.^{۱۰۶} «ابزارهای قانونی برگزیده» عبارت است از ابزارهای قانونی که براساس حقوق حاکم بر اموال، قراردادهای و استخدام به مأموران امنیت اعطا می‌شود.^{۱۰۷} در بسیاری از کشورهای کامن‌لا مأموران امنیت خصوصی نمایندگان مالکان اموال هستند که آنها را استخدام کرده‌اند، بنابراین می‌توانند در این زمینه از اختیارات مالکان (بیرون راندن افراد از اموال شخصی، تفتیش در صورت رضایت) استفاده کنند و در نتیجه می‌توان گفت در مقایسه با شهروندان عادی اختیارات بیشتری دارند.^{۱۰۸}

در مرحله تحقیقات، مأموران خصوصی تحقیق^{۱۰۹} با نام‌هایی چون «کارآگاهان خصوصی»^{۱۱۰}، «دیده‌بان‌های خصوصی»^{۱۱۱}، «کارآگاه»^{۱۱۲} یا «عاملان پرس‌وجو»^{۱۱۳} معروف‌اند.^{۱۱۴} در حقوق ایران، کارآگاه خصوصی به رسمیت شناخته نشده است و مستند قانونی ندارد.^{۱۱۵} در حقوق انگلستان، کارآگاهان خصوصی در قرن هجدهم پدیدار شدند اما بزرگ‌ترین پیشرفت فعالیتی آنها با تصویب قانون موجبات زناشویی^{۱۱۶} مصوب ۱۸۵۷ به‌وجود آمد که این قانون در زمینه طلاق به آنها مجوز فعالیت می‌داد. در قرن بیستم نهادهای امنیت خصوصی عملکرد نخستین خویش یعنی کشف جرم

- 102. No Special Powers
- 103. Ordinary Citizens
- 104. Universal Legal Tools
- 105. Select Legal tools

۱۰۶. نک: نسرين مهرا و بهزاد جهانی، «دستگیری شهروندان در حقوق ایران و انگلستان»، فصلنامه حقوق کیفری ۸۵-۳۵: (۱۳۹۵)۱۴

107. Mark Button, *Security officers and policing* (London: Ashgate publishing, 2007), 32.

108. Philip C. Stenning, "Powers and accountability of private police", *European Journal on criminal policy and Research* 8(2000): 331.

- 109. Private investigators
- 110. Private Detective
- 111. Private Eyes
- 112. Gumshoes
- 113. Enquiry Agents

114. Tim Prenzler, "Private Investigators". In *The handbook of security*, ed. M.Gill (Basingstoke: Palgrave, 2006), 423.

۱۱۵. نک: غلامحسین بیابانی و بهنام ذوقی، «جایگاه کارآگاه خصوصی در پاره‌ای از کشورها»، کارآگاه ۴۳ (۱۳۹۷)،

۲۳-۷.

- 116. Matrimonial Causes Act

را به‌منظور تخصص یافتن در حفاظت از اموال ترک کردند و در عوض نیروهای پلیس تمرکز بسیار بیشتری بر کشف جرم کردند و برخی از وظایف مربوط به گشت‌زنی را کنار گذاشتند؛ این امر موجب شد نهادهای امنیت خصوصی بیشتر در فعالیتهای تحقیقاتی تخصصی، مشارکت نمایند. یکی از دلایل رشد آنها در این زمینه، ناتوانی سازمان‌های پلیسی در مدیریت تکنیک‌های پیچیده به‌کار برده شده در کلاهبرداری بود، از این‌رو شرکت‌های زیادی خود را به‌عنوان متخصصان کشف و پیشگیری از کلاهبرداری رایانه‌ای و تجاری معرفی کردند. دلیل دیگر روی آوری به بخش خصوصی در زمینه تحقیقات مربوط به کلاهبرداری، محرمانه باقی ماندن و عدم آشکارسازی بود.^{۱۱۷} در سال ۲۰۱۳، دولت انگلستان طرح‌هایی را برای تدوین قوانین جدید برای کارآگاهان خصوصی اعلام کرد. این اعلان در زمان دولت ائتلافی دموکرات لیبرال و محافظه‌کار در فاصله زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ منتشر شده بود و بر این امر پافشاری می‌کرد که فعالیتهای کارآگاه خصوصی مشمول کسب مجوز از سازمان صنعت امنیت شود اما پس از انتخابات عمومی، دولت اکثریت حزب محافظه‌کار جایگزین این دولت ائتلافی شد و موقعیت خویش را در برابر مقررره پیشنهادی کارآگاهان خصوصی در انگلستان تبیین نکرد.^{۱۱۸} تاکنون نیز مقررره خاصی بر این مأموران حاکم نمی‌باشد، از این‌رو هر شخصی می‌تواند به‌عنوان کارآگاه خصوصی صرف‌نظر از مهارت، تجربه و محکومیت‌های رفتاری فعالیت کند. اگرچه هیچ مقررره‌ای برای کارآگاهان خصوصی وجود ندارد اما قوانینی وجود دارد که بر به‌دست آوردن، ذخیره و استفاده از اطلاعات شخصی حاکم است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به قانون حمایت از اطلاعات مصوب ۱۹۹۸ که در سال ۲۰۱۸ نیز اصلاح شد و مقررات مربوط به اختیارات تحقیق^{۱۱۹} مصوب ۲۰۰۰ اشاره کرد. ضمانت اجراهای حاکم بر سوءاستفاده از اطلاعات شخصی بسیار جزئی و ناچیز هستند و سازکار قانونی برای این بخش وجود ندارد. وقتی کارآگاه خصوصی اقدام به «مراقبت مخفی» می‌نماید مانند استفاده از وسایل استراق سمع، این اقدام مشمول قانون مربوط به اختیارات تحقیق می‌شود. باوجوداین، این قانون در جایی که مشتری کارآگاه یک فرد خصوصی است، هیچ حمایتی مقرر نمی‌کند. برای این موارد خصوصی، قانون موضوعه اصلی همان قانون حمایت از اطلاعات مصوب ۲۰۱۸ حاکم است. شایان ذکر است که گفته شود، دو انجمن اصلی در زمینه تحقیقات خصوصی عبارت است از انجمن کارآگاهان بریتانیا^{۱۲۰} و موسسه کارآگاهان حرفه‌ای.^{۱۲۱} به‌منظور پیوستن به این انجمن‌ها، کارآگاهان می‌بایست از الزامات اساسی ورود برخوردار باشند که مبتنی بر ویژگی و دانش حرفه‌ای است. هر دو انجمن دارای مجموعه قواعد اخلاقی هستند که اعضا می‌بایست به آن ملزم باشند و عدم‌رعایت این قواعد موجب اقامه دعوی انضباطی می‌شود. در زمینه قلمرو اختیارات مأموران تحقیق خصوصی، باتوجه‌به اینکه قسمت عمده تحقیقات خصوصی

117. Les Johnston, *The Rebirth of private security* (London: Routledge publication, 1992), 106.

118. "Private Investigator regulation in the UK", <http://www.uk-private-investigators.com/regulation/>, accessed Octobr 5, 2020, <http://www.uk-private-investigators.com/regulation/>.

119. Regulation of Investigatory Powers Act 2000

120. Association of British Investigators (ABI)

121. Institute of Professional Investigators (IPI)

مربوط به رفتارهای انحرافی (جرم‌نگاری نشده‌اند) در سازمان‌ها می‌شود، درمورد قلمرو تحقیقات خصوصی در زمینه «جرایمی که بخش خصوصی بسیار غالب است»^{۱۲۲} می‌توان به سازمان‌هایی اشاره کرد که تجربه کلاهبرداری (درونی و بیرونی)، سرقت‌های داخلی و جرایم سایبری را دارند، این نهادها تحقیقات را خودشان انجام می‌دهند یا جهت انجام تحقیقات با بخش خصوصی قرارداد منعقد می‌کنند. از این رو شرکتی که کلاهبرداری توسط کارکنان خویش را تجربه می‌کند در بسیاری از موارد خودش تحقیقات را شروع یا حتی تکمیل می‌کند. در ارتباط با «رفتارهای منحرفانه‌ای که بخش خصوصی غالب است»^{۱۲۳} نقش مأموران تحقیق خصوصی مشهودتر است؛ سازمان‌ها ممکن است طیف وسیعی از رفتارهای منحرفانه را که ممکن است رفتارهای مجرمانه باشند یا نباشند را تجربه کنند. برخی کلاهبرداری‌ها در این حوزه است، همچنین دربرگیرنده اختلافات مربوط به مالکیت فکری^{۱۲۴}، جاسوسی صنعتی^{۱۲۵} یا خرابکاری^{۱۲۶} است. یکی دیگر از فعالیت‌های مأموران تحقیق «به‌دست آوردن اطلاعات برای معرفی رفتار بالقوه منحرفانه»^{۱۲۸} است، بسیاری از سازمان‌ها برای به‌دست آوردن اطلاعات به تحقیقات توسل می‌جویند که ممکن است در ارتباط با هیچ رفتار منحرفانه واقعی نباشد (بالقوه باشد) و تحقیق ممکن است آشکارا باشد؛ مانند شرکتی که فکر می‌کند شرکت دیگر مالکیت فکری او را به طرق غیرقانونی سرقت کرده اما در حقیقت چنین امری به وقوع نپیوسته است.

جلوه دیگر صنعت امنیت خصوصی، خصوصی‌سازی زندان است. در حقوق ایران به‌موجب بندهای «ب» و «ه» ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ با اصلاحات ۱۳۸۹، اداره کلیه امور زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها و مراکز وابسته به آنها از جمله مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و نیز تعیین خط‌مشی، اداره و نظارت بر اجرای کلیه امور مربوط به زندان‌ها و مؤسسات وابسته، در حوزه وظایف سازمان زندان‌ها قرار گرفته است. ماده ۲۲ آیین‌نامه مذکور نیز تأسیس و احداث زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و سایر مؤسسات و مراکز وابسته را «به‌طور انحصاری» در اختیار سازمان زندان‌ها قرار داده است. قید «به‌طور انحصاری» بیانگر عدم‌پذیرش بخش خصوصی در این بخش است. در مواد ۲۳ و ۲۶ آیین‌نامه و بند ب ماده ۱۳۳ و ماده ۲۳۵، امور مربوط به انتظامات و حفاظت فیزیکی زندان‌ها و مراکز وابسته به آن و نیز اعزام و بدرقه و نقل‌وانتقال محکومان و متهمان به مراجع قضایی، مراکز درمانی، تربیتی، آموزشی و ... به‌عهده یگان حفاظت سازمان و یا نیروی انتظامی قرار داده شده است. بر اساس ماده ۱۳ آیین‌نامه، مؤسسات اشتغال و حرفه‌آموزی درون و خارج از زندان‌ها ممکن است تحت مالکیت دولت یا بخش خصوصی باشد؛ اما

122. Crimes Where the Private Sector has become more Dominant

123. Deviant Behaviours where the Private Sector is Dominant

124. Intellectual Property Disputes

125. Industrial Espionage

126. Malpractice

127. Mark Button, The Private Policing, 228-230.

128. The Pursuit of Information to Identify Potential Deviance

این مقرر تجویزی برای دخالت بخش خصوصی در جهت سرمایه‌گذاری در حوزه احداث این مراکز نمی‌باشد. «به دیگر سخن تأکید ماده ۲۲ آیین‌نامه بر اینکه تأسیس و احداث مراکز وابسته به زندان در اختیار انحصاری سازمان زندان‌هاست، مشعر بر آن است که سازمان زندان‌ها می‌تواند تا احداث مراکز جدید، از کارگاه‌ها و یا مراکز اشتغال تحت تملک بخش خصوصی استفاده نماید.»^{۱۳۹} رویکرد اخیر قانونگذار به بخش خصوصی مثبت است؛ بدین‌گونه که مطابق تبصره ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷، واگذاری بخش فنی مراقبت الکترونیکی با رعایت قوانین و مقررات به بخش خصوصی بلامانع است و همچنین براساس تبصره ۳ الحاقی به ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی به‌موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، قوه قضائیه می‌تواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به‌موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد، با نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند. آیین‌نامه اجرایی این تبصره توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری مرکز آمار و فناوری و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

در ایران قوه قضائیه در دو زندان، اجازه ورود به بخش خصوصی داد، یکی زندان وکیل‌آباد مشهد و دیگری زندان عادل‌آباد شیراز. در سال ۱۳۷۳ خصوصی‌سازی در زندان وکیل‌آباد شروع شد و در کمتر از ۳ سال اداره کل زندان‌های خراسان، اداره بخش‌هایی از جمله اداره بیمارستان زندان، اداره دفتر اجرای احکام قضایی زندان، طبخ غذای زندانیان، ثبت آمار و اطلاعات رایانه، خدمات فرهنگی، آموزش زندانیان، خدمات مشاوره روان‌شناسی و مددکاری و خدمات نگهداری غیرمسلح در پوسته داخلی زندان را به بخش خصوصی واگذار کرد. طبق آمارهای موجود، بخش خصوصی بهتر از بخش دولتی عمل کرده بود؛ به‌طوری‌که در بخش اجرای احکام، ضمن کاهش قابل‌توجه پرسنل اداری، سرعت و دقت در انجام کار بهبود یافت و در خدمات مددکاری با افزایش تعداد مددکاران، آمار تخلف زندانیان کاهش پیدا کرد؛ اما در زندان عادل‌آباد شیراز که به مدت یک سال ۹۰ درصد از وظایف جاری و مدیریتی در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته بود؛ اما این طرح با شکست مواجه شد.^{۱۴۰} در راستای خصوصی‌سازی زندان‌ها می‌توان اداره برخی زندان‌های حاوی مرتکبین جرایم کم‌اهمیت و یا غیرعمدی را ضمن نظارت و مراقبت کامل به بخش خصوصی واگذار و اجازه داد که بخش خصوصی اداره‌کننده زندان از عواید نیروی کار زندانی با رعایت کامل حقوق وی استفاده ببرد و یا اینکه به

۱۲۹. علی زارع مهرجردی، «خصوصی‌سازی عدالت کیفری» (رساله دکترای، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰-۱۳۹۱)، ۳۱۳.

۱۳۰. احمد حاجی ده‌آبادی و دیگران، «شکل‌گیری زندان‌های خصوصی و مطالعه تطبیقی آن در ایران و امریکا»، *مجله حقوقی دادگستری* ۸۳(۱۳۹۲)، ۱۶-۱۷. نک: نسرين مهرا و سحر سهیل مقدم «تأثیر خصوصی‌سازی بر مدیریت جمعیت کیفری (با تأکید بر حقوق انگلیس و امریکا)» در مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی مدیریت جمعیت کیفری، تحت نظر نسرين مهرا (تهران: میزان، ۱۳۹۹)، ۹۱-۱۱۳.

بخش خصوصی در قبال خدماتی که ارائه می‌کند مبالغی پرداخت گردد.^{۱۳۱}

پیشنهادها برای زندان‌های خصوصی در انگلستان، ابتدا در سال ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ پدیدار گشت؛ دولت انگلستان هم مانند ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۷۰ با نهادهای خصوصی برای بازداشت مهاجران غیرقانونی مظنون، قرارداد بست.^{۱۳۲} قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۱^{۱۳۳} به خصوصی‌سازی زندان اشاره کرده است و به وزارت دادگستری این اختیار را داده که برای مدیریت زندان‌های جدید برای زندانیان متهم (زندانیانی که هنوز تعیین کیفر نشده) با بخش خصوصی قرارداد منعقد نماید. این قانون در سال ۱۹۹۲ به زندانیانی که برایشان کیفر تعیین شده، گسترش یافت و همچنین در سال ۱۹۹۳ به انعقاد قراردادهای خصوصی به زندان‌های موجود هم تعمیم یافت.^{۱۳۴} در شمار زیادی از زندان‌های خصوصی، با زندانیان بسیار محترمانه رفتار شده است. در مطالعه‌ای که سال ۲۰۰۳ نهاد حسابرسی ملی^{۱۳۵} میان نه زندان خصوصی و دوازده زندان دولتی انجام داده است، تفاوت بسیار مهم میان زندان‌های بخش خصوصی و دولتی آن بود که ارتباط بسیار خوبی میان کارمندان و زندانیان در زندان‌های خصوصی وجود داشته است؛^{۱۳۶} حتی در زندان ولدز^{۱۳۷} که نخستین زندان مخصوص بزرگسالان بود که با بخش خصوصی قرارداد بست، بیش از پنجاه درصد (۶۳ درصد) زندانیان توصیف کرده بودند که ارتباطشان بسیار خوب است و احترام بسیاری برای آنها در مقایسه با زندان دولتی قائل هستند.^{۱۳۸}

نتیجه

امنیت خصوصی یک پدیده جدید نیست. خودیاری و فروش مراقبت به‌عنوان کالا تاریخچه طولانی دارد، حتی پس از اینکه دولت‌ها تلاش کردند اقتدار خویش را بر حفاظت و حراست از عموم از طریق ایجاد نیروهای پلیس دولتی حفظ نمایند، منافع شخصی افراد ایجاب می‌کرد برای مراقبت بیشتر از خود به امنیت خصوصی توسل جویند. درست است که تغییر و تحولات حاصل از ورود بخش خصوص در فعالیت‌های پلیسی موجب «مدیریت‌گرایی»^{۱۳۹} (تبدیل شدن فعالیت‌های پلیسی به فعالیت‌های تجاری مانند)؛ «مصرف‌گرایی»^{۱۴۰} (ارائه فعالیت‌های پلیس دولتی به‌عنوان «خدمات»

۱۳۱. زارع مهاجردی، پیشین، ۳۲۳.

132. See: Jones Trevor et al. "Comparative criminal justice policy- making in the United States and the United Kingdom", *British Journal of Criminology* 45(2005): 62-66.

133. Criminal justice Act 1991

134. David E. Pozen, "Managing a correctional marketplace: prison privatization in the United States and the United Kingdom", *Journal of law & politics* 253(XIX)(2003): 259.

135. National Audit Office

136. John Bourn, *Comptroller and Auditor General, "The operational Performance of PFI Prisons"*, (London: The Stationery Office, 2003), 6.

137. Wolds

138. Ardian James et al., *Privatizing Prisons: Rhetoric and Reality* (London: SAGE, 1997), 85-87.

139. Managerialism

140. Consumerism

و در نظر گرفتن مردم به‌عنوان «مصرف‌کنندگان و مشتریان» و «تبلیغات‌گرایی»^{۱۴۱} (ارتقای حرفه‌ای محصول به‌صورت فزاینده) شده است،^{۱۴۲} اما با توجه به کمبود منابع در دسترس و محدودیت‌ها و ناکارآمدی‌های موجود می‌توان راهبرد خصوصی‌سازی را با اجرای سیاست‌های مناسب اجرایی نمود. با توجه به ظهور صنعت امنیت خصوصی می‌بایست بیان داشت اجرای نظریه هابز که دولت تنها تأمین‌کننده امنیت است چندان اجرایی نخواهد بود بلکه حاکمیت شبکه‌ای که در آن بازیگران دولتی و خصوصی در تأمین امنیت نقش دارند، قابل اجراست البته با پذیرش این نظر که بازیگران خصوصی اختیارات محدود و معینی دارند. در خصوص تفاوت امنیت خصوصی در حقوق ایران و انگلستان به لحاظ ارکان و مفهوم، صنعت امنیت خصوصی در حقوق انگلستان وسیع‌تر از حقوق ایران است؛ چراکه امنیت خصوصی شامل بادیگارد، کارآگاه خصوصی و همچنین امنیت فضای سایبر هم می‌شود در حالی که در حقوق ایران طبق تبصره ۳ ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی، مؤسسات مزبور مجاز به راه‌اندازی محافظین شخصی (بادیگارد) و یا دخالت در امر تحقیق در هر زمینه‌ای (کارآگاه خصوصی) نبوده و به‌تصریح بند ۵ ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی، خدمات حفاظتی و مراقبتی به نگهبانی از اماکن، تأسیسات و تسهیلات فاقد رده حفاظتی، کنترل تردد در این‌گونه اماکن و تأمین امنیت جابه‌جایی اموال و اسناد و سایر فعالیت‌هایی که صرفاً جنبه حفاظت فیزیکی دارد، محدود شده است و همچنین در زمینه امنیت فضای سایبر، پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا (فتا) فعالیت می‌کند.

با توجه به قیود و الزامات آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه از جمله اجبار مؤسسات خدمات حفاظت و مراقبت به در اولویت قرار دادن پذیرش و به‌کارگیری بازنشستگان نیروهای نظامی و انتظامی و نیز بسیجیان فعال (تبصره ۲ ماده ۸)، لزوم ۱۵ سال سابقه کار در نیروهای مسلح برای مدیرعامل و یا رئیس هیئت‌مدیره این مؤسسات (بند ۱ ماده ۸)، موظف ساختن مؤسسات به ارائه گزارش‌های مستمر به واحدهای ناجا در خصوص مواردی چون قراردادهای منعقد، تمدید شده، فسخ شده و یا خاتمه یافته و نیز گزارش وقایع اتفاقیه در حوزه مسئولیت و یا اعلام اسامی کارکنان و نگهبانان جذب شده و یا منفک شده (ماده ۲۰) و ... این‌گونه برداشت می‌شود که اصل بر دولتی بودن امنیت و استثنا بودن ورود بخش خصوصی به حوزه امنیت است. در واقع، صنعت امنیت خصوصی در حقوق ایران به امنیت فیزیکی و مراقبت محدود شده است و در سایر زمینه‌های حقوق کیفری ورود بخش خصوصی با استقبال چندان روبه‌رو نشده است، اما اخیراً قانونگذار گام‌های مثبتی را برای ورود بخش خصوصی به رسمیت شناخته که قابل توجه است. می‌توان راهبرد خصوصی‌سازی را با اجرای سیاست‌های مناسب اجرایی نمود. به‌عنوان نمونه حضور و گشت‌زنی مأموران امنیت خصوصی علاوه بر ایجاد امنیت بیشتر موجب کاهش نرخ ارتکاب جرم خواهد شد و همچنین حضور کارآگاهان و مأموران تحقیق خصوصی موجب جمع‌آوری ادله مؤثر در کشف و تحقیق جرایم خواهد شد. در زمینه خدمات مربوط به حبس می‌توان اداره برخی زندان‌ها به‌ویژه مجرمان کمتر خطرناک و همچنین جابه‌جایی زندانیان را با نظارتی صحیح به بخش خصوصی واگذار نمود؛ بنابراین ورود بخش خصوصی به حوزه امنیت همراه با اتخاذ تدابیر نظارتی مناسب ضروری است.

141. Promotionalism

142. Nweburn, op. cit., 832.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- بشیری، مهدی، مهدی جلیلی، آرش رضازاده و علیرضا شرفی. «طراحی راهبردها و رویکردهای برون‌سپاری در نیروی انتظامی». *توسعه سازمانی پلیس* ۵۴ (۱۳۹۴): ۱۲-۳۴.
- بیابانی، غلامحسین و بهنام ذوقی. «جایگاه کارآگاه خصوصی در پاره‌ای از کشورها». *کارآگاه* ۴۳ (۱۳۹۷): ۲۳-۷.
- جوان جعفری، عبدالرضا. «خصوصی‌سازی پیشگیری از جرم در ایران» در *رویکرد چند نهادی به پیشگیری از وقوع جرم (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم)*، زیر نظر محمد فرجیها و فیروز محمود جانکی. تهران: انتشارات ناجا، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- جوان آراسته، حسین. *مبانی حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول. قم: مرکز تحقیقات علمی، چاپ الهادی، ۱۳۸۳.
- حاجی ده آبادی، احمد و محمد جلیل زاده. «شکل‌گیری زندان‌های خصوصی و مطالعه تطبیقی آن در ایران و آمریکا». *مجله حقوقی دادگستری* ۸۳ (۱۳۹۲): ۹-۳۴.
- زارع مهرجردی، علی. «خصوصی‌سازی عدالت کیفری». رساله دکترا، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰-۱۳۹۱.
- زارع مهرجردی، علی و علی حسین نجفی ابرندآبادی، «خصوصی‌سازی عدالت کیفری، چرایی و چالش‌ها»، *مجله تحقیقات حقوقی (ویژه‌نامه شماره ۱۱)* ۱۵ (۱۳۹۱): ۲۰۹-۲۵۸.
- صفری، مجید. *مبانی حقوقی پلیس خصوصی در ایران*. تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا، ۱۳۹۸.
- عنبری، موسی و علی اصغر فیروزجائیان. «مشارکت امنیتی و انتظام مشارکتی بررسی تجارب و زمینه‌های مشارکت مردمی در تأمین نظم و امنیت (با تأکید بر ایران)»، *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی* ۲ (۱۳۸۸): ۶۰-۹۴.
- فرانکو آس، کاتیا. *جهانی‌سازی و جرم*. چاپ اول. ترجمه یوسف بابایی و اصلی عباسی. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۰.
- محمدنسل، غلامرضا. پلیس و سیاست پیشگیری از جرم. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷.
- مهرآ، نسرين و سحر سهیل مقدم. «تأثیر خصوصی‌سازی بر مدیریت جمعیت کیفری (با تأکید بر حقوق انگلیس و آمریکا)» در *مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی مدیریت جمعیت کیفری*، تحت نظر نسرين مهرآ، ۹۱-۱۱۳. تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۹.
- مهرآ، نسرين و بهزاد جهانی. «دستگیری شهروندان در حقوق ایران و انگلستان»، *فصلنامه حقوق کیفری* ۱۴ (۱۳۹۵): ۳۵-۵۸.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. مترجم. *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. تهران: میزان، ۱۳۹۵.
- نورمحمدی، مرتضی و زهرا صادقی خورجستان. «نقش و جایگاه شرکت‌های نظامی امنیتی خصوصی در امنیت»، *مجله سیاست دفاعی* ۸۹ (۱۳۹۳): ۲۰۹-۲۴۴.

ب) منابع خارجی

Bayley, David H. and Clifford D. Shearing. "The New Structure of Policing: Description, Conceptualization and Research Agenda". Report (Study/ Research), Washington: National Institute of Justice, 2001.

Button, Mark. *Security officers and policing*. First published. London: Ashgate publishing, 2007.

Button, Mark. "Assessing the regulation of private security across Europe", *European Journal of Criminology* 4(2007): 109-128.

Button, Mark. *The private policing*, second edition. London: Routledge, 2019.

Dupont, Benoit, "Security in the age of networks", *policing and society* 14(2004): 76-91.

Garland, David. "The limits of the sovereign state: strategies of crime control in contemporary Society", *British Journal of Criminology* 36(1996): 445-471.

Hobbes, Thomas. *Leviathan*. Oxford: Oxford University Press: 1996.

James, Adrian, Keith Bottomley and Alison Lieblich. *Privatizing Prisons: Rhetoric and Reality*. London: SAGE, 1997.

Johnston, Les. *The Rebirth of private security*. first published. London: Routledge publication, 1992.

Jones, Trevor and Tim Newburn. "Comparative criminal justice policy- making in the United States and the United Kingdom." *British Journal of Criminology* 45(2005): 58-80.

Lister, Stuart and Anthea Hucklesby. "The private sector and criminal justice: an introduction". In *The private sector and criminal justice*, edited by Anthea Hucklesby and Stuart Lister, 1-21. Basingstoke: Palgrave macmillan, 2018.

Moran, Michael. "The Rise of the Regulatory State in Britain". *Parliamentary Affairs* 54(2001): 19-34.

Newburn, Tim. "the commodification of policing: security networks in the late modern city", *Urban Studies* 38(2001): 829-848.

Pozen, David E. "Managing a correctional marketplace: prison privatization in the United States and the United Kingdom". *Journal of law & politics* 253(XIX)(2003): 253-284.

Prenzler, Tim. "Private Investigators". In *the handbook of security*, edited M.Gill, Basingstoke: Palgrave, 2006.

"Private Investigator regulation in the UK" , Accessed October 5, 2020, <http://www.uk-private-investigators.com/regulation/>.

Rhodes, Roderick. "The Hollowing Out of the State: The Changing Nature of the Public Service in Britain". *The Political Quarterly* 65(1994): 138-151.

Rose, Nikolas. "Government and Control", *The British Journal of Criminology* 40(2000): 321-339.

Shearing, Clifford and Philip Stenning, "Private security: implications for social control",

social problems 30(1981):1-15 .

Shearing, Clifford and Les Johnston. *Governing security, explorations in policing and justice*. first edition. London: Routledge, 2003.

Spritzer, Steven and T. Andrew Scull. "privatization and capitalist development: The case of the private police". *social problem* 25(1977): 18-29.

Stenning, Philip C. and Clifford D. Shearing. "Modern private security: Its growth and implications". the university of Chicago press. *crime & Just* 3(1981): 193-245.

Stenning, Philip C. "Powers and accountability of private police", *European Journal on criminal policy and Research* 8(2000): 325-352.

sydney Hornby, Albert, Joanna Turnbull, Diana Lea, Dilys Parkinson and Patrick Phillips. *Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English*. Eight edition. England: oxford university press, 2010.

Wendy, Fitzgibbon and John Lea. *Privatising justice (The security industry, war and crime control)*. first published. London: Pluto Press, 2020.

white, Adam "private security and the politics of accountability", in *Accountability of policing*, edited by Stuart Lister and Michael Rowe, 172-191. London: Routledge, 2015.

Wood, Jennifer and Clifford D Shearing. *Imagining Security*. 1st published. Cullompton: Willan, 2007.